

تسهیلات ۳۶۳ هزارمیلیاردی در اختیار ۴۵۰ نفر

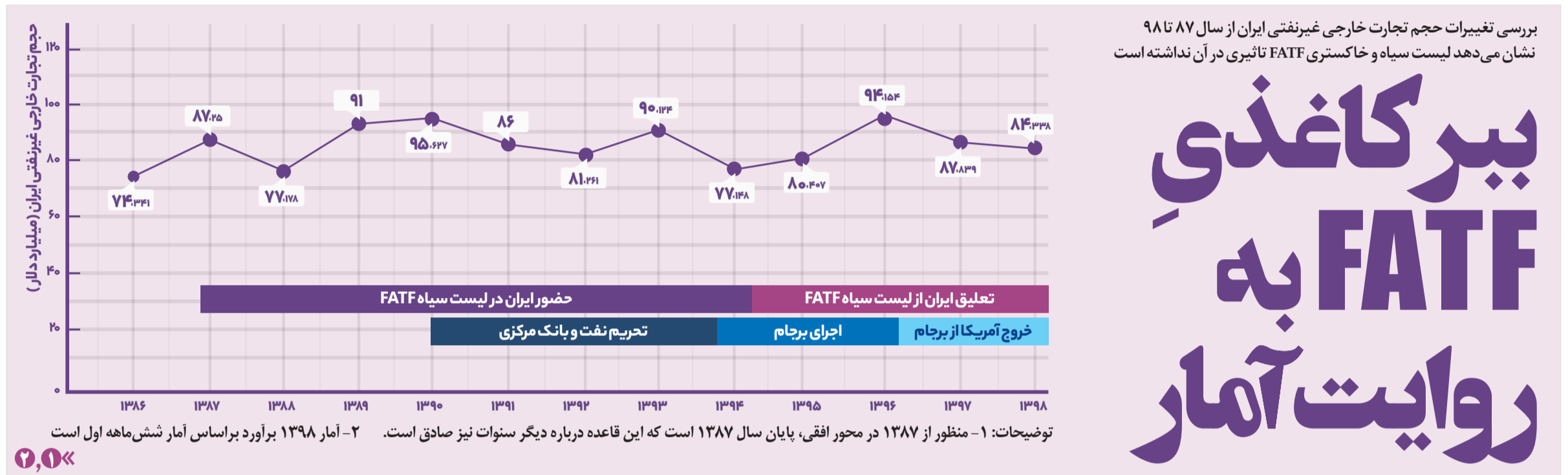
صفحه ۸ را بخوانید



فرزاد مومتن در گفت وگویی تفصیلی با «فرهیختگان»:

بودجه سینما را خرج فیلم های خشن و عصبی می کنند

www.fdn.ir | Wed | 18 Dec 2019 | vol.10 | No. 2935 | 16 Pages



۱، ۲

احتمال تعلیق بین المللی هلال احمر با ورود دولت

۱۶

اختصاص گزنت پژوهشی به محققان دانشگاه آزاد

۱۶

گرفتاری آبی-خاکی خوزستانی ها

۱۶

روایت «فرهیختگان» از آخرین اتفاقات خوزستان بعد از بارش باران

یادداشت

بررسی تغییرات حجم تجارت خارجی غیرنفتی ایران از سال ۸۷ تا ۹۸ نشان می دهد لیست سیاه و خاکستری FATF تأثیری در آن نداشته است

بیرکاغذی FATF به روایت آمار



سیدياسر جبرائیلی

پژوهشگر اقتصادسیاسی

یکی از تکنیک های لیبرال های ایرانی برای پیشبرد پروژه هضم جمهوری اسلامی در نظم غربی، این بوده که در فضای عمومی کشور به خوف و رجا های کاذب دامن زده و ببرها و بهشت های کاغذی بسازند؛ مردم را از ببر بترسانند و وعده بهشت دهند تا زمینه پیشبرد اهداف شان در کشور فراهم شود. طبیعتا این جریان برای اثبات واقعی بودن وعده های کاغذی اش، هیچ استناد و استدلالی در دست ندارد. لذا همه هم خود را مصروف این می کنند که مردم فرصت لمس واقعیت این ببرها و بهشت های کاغذی را پیدا نکنند. به همین جهت، راه از بین بردن خوف و رجا های کاذب و ساختگی، جز کمک به مردم برای لمس واقعیت نیست. یادداشت حاضر تلاش می کند در میانه بمباران سنگین تبلیغاتی لیبرال ها برای هولناک جلوه دادن قرار گرفتن در لیست سیاه FATF، راهی به لمس واقعیت و درک حقایق بگشاید.

شاید بتوان گفت مهم ترین ادعای لیبرال های ایرانی برای ضرورت پیوستن به کنوانسیون های دوقلو (یعنی CFT و پارمو) در راستای برنامه اقدام FATF، این است که می گویند در صورت عدم رعایت الزامات FATF، تجارت ایران با خارج دیگر ممکن نخواهد بود و برای انجام تجارت عادی با جهان، چاره ای جز پذیرش استانداردهای FATF نیست. مقامات اجرایی دولت، شخصیت های سیاسی و رسانه های حامی این رویکرد، تقریبا روزی نیست که فریاد زنند «تصویب لویج FATF برای همراهی با اقتصاد جهانی ضروری است»، «اگر می خواهیم با دنیا مبادلات تجاری داشته باشیم، باید الزامات بین المللی را بپذیریم»، «اگر این لویج تصویب نشود، در واقع دور تجارت با جهان سیم خاردار می کشیم»، «اگر لویج مرتبط با FATF را تصویب کنیم ممکن است فشار بیشتر نشود»، «اگر ایران در لیست سیاه FATF قرار گیرد، دستش برای مبادلات تجاری با جهان باز نخواهد بود»، «اگر ایران به لیست سیاه FATF بازگردد، باید فاتحه تجارت و اقتصاد را خواند»، «قرار گرفتن ایران در لیست سیاه FATF به معنای محدود شدن مبادلات تجاری است» و صد ها و بلکه هزاران شعار دیگر که چنانکه اشاره شد، هیچ گونه پشتوانه استدلالی و استنادی قابل اعتنالی ندارد.

اما ترجیح بند ادعاهایی که حامیان تصویب کنوانسیون های دوقلو مطرح می کنند این است که در صورت بازگشت ایران به لیست سیاه FATF، ایران دیگر قادر به تجارت با جهان نخواهد بود. اگر FATF سال ۱۳۹۸ تاسیس شده بود یا حداقل از سال ۱۳۹۸ شروع به صدور بیانیه علیه ایران می کرد، یعنی یک پدیده نو و ناشناخته بود، عقلانیت اقتضا می کرد برای شعارهای حامیان پذیرش الزامات این نهاد، ولو در حد هشدار یک دیوانه درباره یک خطر محتمل، ارزشی قائل شد. اما ماجرای ایران و FATF ماجرای جدیدی نیست، بلکه ماجرای فردی است که لیوان آبی را که در دست دارد، نوشیده و به سلامت آن یقین پیدا کرده، اما فرد معلوم الحالی درباره سمس بودن باقی مانده آب لیوان هشدار می دهد.

متغیرهای مختلفی روی تجارت خارجی تأثیر می گذارند. میزان تورم داخلی و طرف های تجاری، میزان درآمد ملی، سیاست های دولت، یارانه های صادراتی، محدودیت های وارداتی، قاچاق، نرخ مبادله و... از جمله مهم ترین این موارد

هستند که موجب نوسان حجم تجارت خارجی یک کشور می شوند. اما ادعای حامیان پذیرش استانداردهای FATF این است که اگر ایران در لیست سیاه این نهاد قرار گیرد، تجارت خارجی ایران فارغ از مولفه های فوق چنان تحت تأثیر قرار خواهد گرفت که اساسا روابط تجاری کشور با جهان خارج قطع خواهد شد. اگر این ادعا را بپذیریم که قرار گرفتن در لیست سیاه FATF، یک متغیر مؤثر در تجارت خارجی است، منطقا این متغیر باید در گذشته آثار خود را نشان داده باشد. اما بررسی داده های تجاری کشور نشان می دهد ایران طی ۱۰ سال گذشته هر دو حالت «قرار گرفتن در لیست سیاه» و «تعلیق از لیست سیاه» FATF را تجربه کرده، اما حجم تجارت خارجی هیچ تأثیری (نه منفی و نه مثبت)، از هیچ یک از دو حالت یادشده نپذیرفته است. آمارهای رسمی بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می دهند طی دوره ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۸، حجم تجارت خارجی غیرنفتی ایران، چه در حالت حضور در لیست سیاه FATF و چه در حالت تعلیق از لیست سیاه و فراتر از آن، چه در زمان اعمال تحریم های سال ۱۳۹۰، چه پس از اجرای برجام و چه پس از خروج آمریکا از برجام، تقریبا بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار در نوسان بوده است و از هیچ یک از این رویدادها متأثر نشده است. به عبارت دیگر، در FATF و نه برجام، متغیر مؤثری بر تجارت خارجی غیرنفتی ایران نبوده اند.

گروه اقدام مالی (FATF) در اسفندماه ۱۳۸۷، ایران را در لیست سیاه خود قرار داد و تا تیرماه ۱۳۹۵، ایران در لیست سیاه این نهاد قرار داشت. براساس ادعای حامیان FATF، در این بازه زمانی باید حجم مرادوات خارجی ایران نسبت به دوره پیش از آن، به شدت کاهش یافته یا اساسا آن گونه که افراطیون لیبرال می گویند، باید فاتحه تجارت خارجی ایران خوانده می شد. اما آمارها می گویند طی این هفت سال حضور در لیست سیاه، نه تنها حجم تجارت خارجی غیرنفتی کشور نسبت به دوره پیش از آن کاهش نیافته، بلکه در مقاطعی تحت تأثیر متغیرهای واقعی، روند صعودی نیز به خود گرفته است (روی تجارت غیرنفتی تمرکز داریم چراکه فروش نفت هیچ گونه ارتباطی به FATF نداشته و با تحریم های خارجی دچار نوسان شده است).

سال ۱۳۸۸ که ایران در لیست سیاه قرار داشته، حجم تجارت خارجی غیرنفتی ایران (مجموع صادرات و واردات) حدود ۷۷ میلیارد دلار بوده است. سال ۱۳۸۹ با وجود اینکه ایران همچنان در لیست سیاه قرار دارد، حجم تجارت خارجی با افزایش ۱۴ میلیارد دلاری به ۹۱ میلیارد دلار و در سال ۱۳۹۰ به ۹۵ میلیارد دلار می رسد. سال ۱۳۹۰ بانک مرکزی و صادرات نفت ایران تحریم می شود و به دلیل کاهش درآمد نفتی، واردات کاهش می یابد و طی دو سال، حجم تجارت خارجی حدود ۱۴ میلیارد دلار کاهش یافته و به ۸۱ میلیارد دلار می رسد. در واکنش به تحریم نفت، کشور رو به توسعه صادرات غیرنفتی می آورد. این رویکرد نتیجه می دهد، حجم تجارت خارجی دوباره صعودی می شود و در سال ۱۳۹۳ با حدود ۹ میلیارد دلار افزایش، به ۹۰ میلیارد دلار می رسد. دقت کنیم که در همه سال ها ایران همچنان در لیست سیاه FATF قرار دارد. یعنی پایه زمانی ۸۸ تا ۹۳ که ایران در لیست سیاه قرار داشته، نه تنها فاتحه تجارت خارجی خوانده نشده، بلکه حجم تجارت خارجی در دو نوبت تحت تأثیر متغیرهای واقعی، صعودی شده است. جالب اینکه یکی از این دو نوبت، زمانی است که ایران هم در لیست سیاه قرار دارد و هم صادرات نفتش تحریم شده است؛ یعنی متغیرهای داخلی باعث صعودی شدن حجم

تجارت خارجی شده است.

این آمارها به خوبی نشان می دهد تجارت خارجی غیرنفتی ایران نه از تحریم ها تأثیر پذیرفته و نه از لیست سیاه FATF، بلکه یک نوبت در زمان حضور در لیست سیاه و یک نوبت دیگر در زمان تحریم توام با حضور در لیست سیاه، حجم تجارت خارجی غیرنفتی افزایش یافته است. به عبارت دیگر، تجارت خارجی غیرنفتی ایران از لیست سیاه FATF و تحریم، تأثیر منفی نپذیرفته است.

ممکن است حامیان FATF از سخن قبلی خود درباره خوانده شدن فاتحه تجارت با لیست سیاه FATF عقب بنشینند و مدعی شوند به جای بررسی تأثیر منفی عامل FATF، باید تأثیرات مثبت آن را در نظر گرفت. اطلاعات تجاری غیرنفتی کشور می گوید اضافه شدن دو عامل «تعلیق از لیست سیاه FATF» و «اجرای برجام» نیز تأثیر محسوسی روی حجم تجارت خارجی کشور نگذاشته و ارقام تجارت خارجی غیرنفتی، در همان کانالی دچار نوسان می شود که در زمان تحریم ها و حضور در لیست سیاه تجربه نوسان می کرد. به عبارت روشن تر، با اجرای برجام و تعلیق از لیست سیاه FATF، اتفاق خاص مثبتی نیز در تجارت خارجی ایران اتفاق نمی افتد. با خروج آمریکا از برجام که یکی از این دو عامل مثبت ادعایی حذف می شود، دقیقا مانند دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ به دلیل کاهش درآمد نفتی، واردات مقداری کاهش می یابد اما نوسان رخ داده باز در همان کانال ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار قرار دارد و از آن خارج نمی شود؛ هرچند ایران همچنان در حالت تعلیق از لیست سیاه FATF قرار دارد. یعنی از خارج بودن از لیست سیاه FATF، اثر مثبتی نمی پذیرد. طبق منطق حاکم بر واقعیت تجاری کشور و تجربه گذشته، می توان گفت در سال ۱۳۹۹ به دلیل گرایش به رویکرد توسعه صادرات غیرنفتی برای جبران کاهش فروش نفت، درآمدهای کشور افزایش یافته و حجم تجارت خارجی مجددا صعودی خواهد شد. شاهد این مدعا اینکه پس از خروج آمریکا از برجام، تلاش برای افزایش صادرات غیرنفتی از سر گرفته شده و بر اثر این موج جدید، طبق آمار گمرک، در ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۸، صادرات غیرنفتی کشور ۲۳ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. نکته قابل تأمل دیگر این است که با اتخاذ رویکرد توسعه صادرات غیرنفتی، تراز تجاری غیرنفتی ایران که پیش از تحریم نفت، منفی ۳۷/۵ میلیارد دلار بود، چند سال پس از تحریم به تعادل رسیده و در مقطعی مثبت هم می شود. از مباحث فوق به روشنی دریافت می شود چنجال هایی که درباره ورود ایران به لیست سیاه FATF به راه افتاده و یک روزگار سیاه برای تجارت خارجی کشور پس از ورود به لیست سیاه ترسیم می کند، هرچه باشد واقعی نیست. اما واقعیتی وجود دارند که می گویند در صورت رعایت استانداردهای FATF و الحاق به CFT و پارمو، حجم تجارت خارجی ایران به شدت کاهش یافته و در بهترین حالت با عمق بخشیدن به تحریم های آمریکا، تجارت ما را محدود به غذا و دارو خواهد کرد. نگارنده در مقاله مبسوط «سندورم تنگ ماهی در فهم و حل مساله FATF» که پیش تر در روزنامه «فرهیختگان» به چاپ رسید، به این واقعیت پرداخته است.

امید آن می رود افرادی که پرچم حمایت از پذیرش الزامات FATF به ویژه الحاق به کنوانسیون های دوقلو را برافراشته اند، اگر تحت تأثیر تبلیغ یا تهدید دشمن بوده اند، با دیدن این واقعیت آماری از این فضای موهوم خارج شوند. اما با آنان که تجارت خارجی کشور را بهانه کرده و غایت اصلی شان، تغییر رفتار جمهوری اسلامی به سفارش آمریکا است، بلا تردید این منازعه ادامه خواهد داشت.

گزارش

سختگویی قوه قضائیه در گفت وگو با «فرهیختگان»:

پوری حسینی همچنان در بازداشت است

ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

روز گذشته نشست خبری غلامحسین اسماعیلی، سختگویی قوه قضائیه در کاخ دادگستری برگزار شد. در این نشست موضوعات و مسائل مختلفی از سوی خبرنگاران مطرح شد و اسماعیلی به آنها پاسخ داد. ماجرای دستگیری تعدادی از امضاکنندگان بیانیه ۷۷ نفره اصلاح طلبان، جنجال کیک های آلوده به قرص، سرانجام سامانه ثبت دارایی مسئولان، نوسانات بازار ارز، آینده پرونده بابک زنجانی، ماجرای مقفودی ۹ هزار تن گندم در گلستان، وضعیت پرسنل شورای حل اختلاف، دادگاه قائم مقام قالیباف، مسدودکردن ۱۵ هزار سیم کارت کلاه برداران بانکی و... سرانجام کشته شدگان اعتراضات اخیر، پرونده دیوانداری، شبنم نعمت زاده و... همه مسائلی بود که اسماعیلی ذیل سوالات خبرنگاران به آنها پاسخ داد. اما یکی از نکات مهم این نشست حول سخنان ابتدایی سختگویی قوه قضائیه بود که سوال «فرهیختگان» هم با توجه به آن پرسیده شد؛ سوالی که به دلیل اذان ظهر و پایان نشست امکان پرسیدن آن در جلسه فراهم نشد و بعد از جلسه اسماعیلی پاسخ آن را داد.

سختگویی قوه قضائیه در ابتدای نشست خبری روز گذشته و در اظهاراتی به مساله خصوصی سازی اشاره کرد و با توجه به مصائبی که خصوصی سازی نادرست در کشور ایجاد و کارگران و خانواده های زیادی را دچار مشکل کرده است و با اشاره به تمهیدات بودجه سال ۹۹ دولت گفت: «لان که فصل بودجه است باید توجه داشت در ایام اخیر خیلی گرفتار پرونده خصوصی سازی بودیم و در قانون بودجه ۹۹ بحق و بجا تداوم امر خصوصی سازی به درستی پیش بینی شده اما اکنون که قرار است در سال ۹۹ روند واگذاری ها شتاب بیشتری پیدا کند، توصیه می کنیم در فرآیند و نحوه واگذاری شرکت ها و کارشناسی از رزایی شرکت ها و نحوه تنظیم قراردادهای واخذ تضمین از برندگان مزایده و اهلیت خریداران دقت لازم انجام شود. ما خواهان خصوصی سازی حداکثری بدون مشکل و مساله هستیم.» اینکه قوه قضائیه هم پای کار خصوصی سازی است و از آن استقبال می کند، مساله ای است که پرداختن به آن مجال دیگری می طلبد. اما نکته قابل تأمل تجربه ای است که خصوصا در یکی، دو سال اخیر از ماجرای خصوصی سازی در کشور از سر گذرانده ایم، البته هنوز با آن درگیری داریم و احتمالا خواهیم داشت؛ ماجرایی که به محض شنیدنش اسم هایی همچون نیشکر هفت تپه، هیکوی اراک، آذرباب، ماشین سازی تبریز، آلومینیوم المهدی هرمزگان، پالایشگاه کرمانشاه، شرکت کشت و صنعت کارون خوزستان، شرکت کشت و صنعت مغان، مجتمع گوشت اردبیل و... به ذهن متبادر می شود و تصاویری از اعتراض و انتقاد و فشار به کارگران و خانواده های آنان به عنوان قشری که بیشترین تلاش و زحمت را برای اعتلای تولید کشور می کنند اما برای دریافت اندک دستمزدهای خود باید ماه ها منتظر بمانند و اعتراض و اعتصاب کرده تا شاید آن را دریافت کنند. با توجه به همین عقبه خصوصی سازی و لزوم پاسخگویی دولت و به طور اخص سازمان خصوصی سازی کشور سوال «فرهیختگان» از سختگویی قوه قضائیه حول همین ماجرا و به طور مشخص وضعیت یکی از اصلی ترین چهره های خصوصی سازی در کشور یعنی میرعلی اشرف عبدالله پوری حسینی، رئیس سابق این سازمان بود که چند ماه پیش از سمت خود استعفا کرد و بعد از آن نیز به گفته رسانه ها، به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور و تصبیع گسترده اموال عمومی و دولتی بازداشت شد. اخیرا شبهاتی پیرامون پوری حسینی و فشار دولت به قوه قضائیه برای بازداشت او مطرح بود و اینکه ممکن است او آزاد شده و قرار برای او صادر شده باشد و... اما سختگویی قوه قضائیه در پاسخ به سوال «فرهیختگان» مبنی بر اینکه آیا او همچنان بازداشت است یا خیر؟ و امکان دارد که برای او قراری تعیین شده باشد، گفت: «بله، ایشان همچنان بازداشت هستند. در ارتباط با تعیین قرار بنده اطلاعی از این موضوع ندارم و نمی دانم قراری صادر شده است یا نه.»